

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ مارچ ۲۰۱۹

ورود زنان "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" در جنگ قدرت!

شنبه- ۱۱ حوت ۱۳۹۷ - کابل: هر چند این بحث که فقط نقطه گذاری از یک بحث تاریخی پر از فراز و نشیب یعنی "نقش زنان طبقات حاکم در حاکمیت" که گاهی علنی مگر عمدتاً مخفی در تمام ادوار بشدت تمام در درون دربار ها جریان داشته، بحثی است جدی که در صورت مساعدت زمانی می تواند کسانی آن را باز نموده بشکافند که درک عمیقتر و کاملتری از تاریخ افغانستان و مناسبات درونی طبقه حاکم حتا در سطح خانوادگی آنها دارند، با آنهم به علت وقوع چند مسأله خواهم کوشید تا اشارات مختصری در زمینه بنمایم، امیدوارم مختصر نگاری بحث را ناقص نسازد:

۱- نسل پیشتر از ما که زمان شاهی و جمهوریت محمد داوود خان بخشی از تاریخ زندگی روزمره شان را می سازد، بهتر از من می دانند که در آن دوران با وجود نمایشاتی از به اصطلاح آزادی نسوان و دموکراسی، پای تمام آن نمایشات فقط تا جایی می توانست دراز شود که مسأله به زنان و پرده نشینان داخل ارگ نکشد. یعنی ارگ و ارگ نشینان که عمدتاً در داخل شهر کابل با اعطای آزادیهای دموکراتیک کاملاً کنترل شده، در خارج از کشور خود ها را "متمدن"، "شهر نشین" و "معتقد و پای بند به تساوی زن و مرد" عرضه می داشتند و با به کار گماشتن یکی دو تن به مثابه وزیر و رئیس، اینجا و آنجا افاده می فروختند، در درون ارگ مناسبات محکم فنودالی را قایم نموده، حتا اگر در قسمت آزادیهای فردی می توانستند "سرلج و پای لچ" بگردند، مگر در امر سیاست حق نداشتند زبان باز نمایند. مؤید این ادعا گذشته از سینه و حافظه میلیونها افغان نسل قبل از ماست، بلکه در یک کنکاش تاریخی نیز نمی توان در هیچ کجانی از حیات اجتماعی جای پای مؤثر همسران شاه و همسر رئیس جمهور داوود را یافت.

۲- با کودتای خونبار و میهنفروشانه هفت ثور ۱۳۵۷ و تسلط خلق و پرچم، هر چند ظاهراً میدان برای ورود زنان در امر سیاست و اداره زمام امور بازتر معرفی گردید، مگر در واقعیت، روال سابق ادامه یافته به اصطلاح در بر همان پائینه قبلی چرخیده، زمامداران همان زمان که دم از آزادی نسوان و فرمان شماره هفت می زدند، هیچ یک از آنها همسران خودشان را وارد میدان سیاست نکردند. از "تره کی" و "امین" گرفته تا "ببرک" و "نجیب" هیچ یک از آنها به همسران شان اجازه ندادند تا در کنار شان برآمد نموده به گفته مردم خود را نشان بدهند که چه کرده می توانند.

این تذکر بدان معنا نیست که در این دوره زنان کاری انجام نمی دادند، بلکه مسأله در آن است که برای آنها زن، خواهر، دختر و همسر کس دیگری می توانست سیاست کند، شب و روز از این کمیته به آن کمیته برود، با دوست و

دشمن معاشرت نموده، گل بگوید و خوش بشنود، مگر در درمورد زنان خودشان، هیچ کسی حق نداشت پای آنها را به امور سیاست باز نماید. از همین رو هم است که وقتی انسان به صحبت های همسر "تره کی"، "امین"، "ببرک" و حتا "نجیب" بعد از مرگ شوهران شان گوش می دهد، متوجه می شود که آنها در بهترین صورت با صد تلاش نمی توانند کارائی یک زن خانه مجرب افغان را نمایندگی نمایند تا چه رسد به یک زن مبارزی که می خواهد با استفاده از موقعیت شوهرش، خودش و جهان ماحولش را در جهت آزادی، رفاه و تأمین حقوق مساوی زنان کشور تکامل دهند.

۳- با یک خیز بلند از حاکمیت قرون وسطائی جهادبست ها و طالب که به حکم شرع اسلامی و برداشت های متحجرانه خودشان از آن احکام، افغانستان را در کل به زندان زنان مبدل نموده بودند و یکی افتخارش را در این می دانست که حتا برادرانش همسرش را ندیده و با آنها معاشرت نداشته است. مصاحبه همسر مسعود با جراید ایرانی- و آن دیگری از طریق شلاق زدن به زنان مردم، اتوریته اش را در داخل خانه نیز قایم نموده، اگر جهنمی وجود داشته باشد آن را به مسکن زن افغان اختصاص داده بود- ملا عمر و ملا عمری ها- می آئیم به زمانی که اشغالگران امپریالیستی با یلغار ددمنشانه شان ضمن بیشتر ویران کردن ویرانه های باقیمانده از رقیب تاریخی و مزدورانش، با دهل و نغاره، آزادی زنان و شرکت مساویانه آنها را نیز در قدرت اعلام داشت.

۴- حاکمیت دست نشانده و پوشالی "کرزی" در جریان ۱۴ سال، اگر از جانبی با نمایشات مسخره فرستادن چند زن میهنفروش به پارلمان و یا جذب چند تن دیگر از آنها در رأس این و یا آن اداره به جهانیان نشان می داد که بلی! ما هم طرفدار تساوی حقوق زن و مرد هستیم مگر در عمل از شخص کرزی گرفته تا تمام حواریون و دور و بر هایش، خط حرکی و سیاست مزدوران روس را پیشه نموده، در عین حالی که زنان خودشان را از انظار مخفی نگه داشتند و در هیچ موردی از موارد حیات اجتماعی کسی نتوانست جای پای و حضور آنها را احساس نماید، در قسمت زنان، دختران، خواهران و مادران دیگران با دست و دلبازی حاتم طائی گونه برخورد نموده، هرزگی لیبرالی را با تمام کم و کیف آن در جامعه دامن زدند.

این تمام مصیبت نبود، چه آنها به این هم اکتفاء ننموده با دستبرد مخفی و آشکار به حقوق و آزادی های زنان، تمام آن حقوق را به "شرع اسلامی" ببوند زده در نتیجه پایه های تئوریک بردگی زن را زیر نام حقوق زنان تئوریزه نمودند.

ادامه دارد